

# بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و منشور حقوق شهروندی

محمود شفیعی<sup>۱</sup>

مهدی زینال زاده<sup>۲</sup>

## چکیده

رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی، موضوعی است که در حکومت‌های دینی و مذهبی جهت رفتار مسالمت‌آمیز شهروندان در کنار یکدیگر در سطح کشور، بدان توجه شده است. در این خصوص، برنامه‌هایی با ویژگی‌های خاص و متناسب با آداب و رسوم و درون‌مایه دینی، البته متعدد در تمام اعصار برای آن طراحی شده است. در این میان دین اسلام با سر منشأ و حیانی خود در خصوص این مقوله رویه‌ای را متذکر شده است که در دوران حضور پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) به آن‌ها عمل شده است. بدین ترتیب، در این مقاله سعی شده تا چند ماده از منشور حقوق شهروندی که اخیراً رونمایی شده را مورد بررسی قرار دهیم تا متوجه شویم سیره رفتاری امام علی (ع) به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت اسلامی بعد

۱. نویسنده مسئول: دانشجو کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علوم قضایی تهران [mahmoud.sh0913@gmail.com](mailto:mahmoud.sh0913@gmail.com)

۲. دانشجو کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علوم قضایی تهران [zeynalzadeh95@yahoo.com](mailto:zeynalzadeh95@yahoo.com)

از پیامبر (ص) و بزرگ‌ترین مفسر قرآن و حاکم اسلامی که پیام آور صلح، عدالت و مظهر خوبی‌ها است؛ در خصوص حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی به چه صورتی بوده است. این موضوع در حالی مورد توجه قرار گرفته است که هم قانون اساسی و هم دیگر قوانین خاص داخلی و هم رفتار الگوگرایانه امام علی (ع) همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان و رعایت حقوق مختلف آنان را مدنظر داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق شهروندی، امام علی (ع)، حقوق عمومی در اسلام، قانون اساسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## مقدمه

حکومت اسلامی در حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) تبلور پیدا کرد و می‌توان گفت که ایشان آئینه تمام‌نمای اسلام است. امام علی (ع) در دوران ۲۳ ساله رسالت، دانش مدیریت مدنی را از کتاب و سنت نبوی آموخته بودند و با فرهنگ و سنت نیز به خوبی آشنا بودند. همچنین ایشان در روزگار ۲۵ ساله پس از پیامبر، از رویدادها و تجربه‌ها اندوخته و از شیوه‌های گوناگون مدیریتی عبرت‌ها و آموزش‌ها گرفته بودند. در نتیجه، ایشان با چنین اندوخته‌ای رهبری حکومت نوپایی را شروع کردند که دچار مشکلات زیادی پس از رحلت پیامبر (ص) شده بود. یکی از این مشکلات نحوه تعامل با اقلیت‌های دینی و مذهبی بود که امام علی (ع) به خوبی با درایت خاص و الهی به مدیریت آن پرداختند.

جمهوری اسلامی ایران نیز که خود را ادامه دهنده راه آن بزرگواران می‌داند، در برخورد با چنین موضوعی رفتارهای مختلفی داشته است، آخرین رفتار حقوقی دولت‌مردان معرفی و ارائه «منشور حقوق شهروندی» در سطح جامعه اسلامی دانسته می‌شود. حال سؤال اینجاست که دیدگاه، طرز بیان و رفتار طراحان و نگارندگان منشور حقوق شهروندی در خصوص حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی چگونه می‌باشد و چه نوع حقوق و تکالیفی را با در نظر گرفتن بیانات امام علی (ع) مدنظر قرار داده‌اند.

در این منشور - که البته فاقد ضمانت اجرایی مؤثر - می‌باشد، به موضوعات مختلفی از جمله موضوع پراهمیت حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی اشاره شده است که از میان آن‌ها می‌توان به اصل برابری و حق کرامت معتقدان به ادیان و مذاهب گوناگون؛ اصل احترام و حفظ شأنیت ادیان و مذاهب مورد قبول و همچنین اصل



عدالت اقتصادی برای تمام ادیان و مذاهب و... اشاره کرد. با این وجود، ذکر این نکته الزامی است که پژوهش حاضر درصدد بیان تمامی موارد و مصادیق نیست؛ ولی در حد توان چند مورد از این نمونه‌ها را بیان نموده تا نشانگر رفتار همراه با عواطف انسانی و پراز مهر و محبت امام علی (ع) و پیش‌بینی‌های طراحان منشور در خصوص حقوق اقلیت‌ها باشیم.

## ۱- مفهوم‌شناسی

پیش از آغاز بحث لازم است به منظور دقیق‌تر شدن مباحث، نگاهی به مفاهیم «اقلیت»، «شهروند و حقوق شهروندی» و «دین و مذهب» داشته باشیم.

### ۱-۱- اقلیت

همواره بحث و جدل در اینکه تعریف اقلیت چیست و منظور از عنوان اقلیت چه می‌باشد، وجود داشته است و ارائه یک تعریف جامع و مانع برای این مفهوم بسیار دشوار می‌باشد، اما امروزه در بحث‌های سازمان ملل متحد و نهادهای زیرمجموعه آن، مشخصه‌هایی برای اقلیت‌ها ذکر می‌شود و با توسل به آن معیارها، گروه‌هایی تحت عنوان اقلیت شناخته می‌شوند. این مشخصه‌ها عبارت‌اند از: ویژگی‌های قومی، ملی، مذهبی یا زبانی یک گروه که با گروه‌های داخل در حاکمیت متفاوت‌اند. بنابراین باید سه ویژگی وجود داشته باشد تا عنوان اقلیت بر گروه یا افرادی از جمعیت در داخل حکومت صدق کند که عبارت‌اند از: ۱- از لحاظ تعداد، کمتر از گروه حاکم باشند؛ یعنی از لحاظ تعداد، اقل از سایر اقشار جمعیت که حاکمیت را در دست دارند، باشند؛ ۲- حاکمیت را در دست نداشته باشند. با این ویژگی مشخص می‌گردد، گروهی که از لحاظ تعداد کمتر از گروه‌های دیگر باشند ولی حاکمیت را



در دست داشته باشند، عنوان اقلیت بر آن‌ها صدق نمی‌کند. ۳- تفاوت نژادی، ملی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی داشته باشند. این مورد درباره اتباع داخل کشور می‌باشد؛ یعنی افرادی از تبعه یک کشور که از لحاظ نژاد، زبان یا مذهب با دیگر اتباع کشور تفاوت داشته باشند. (محرابی، ۱۳۸۷: ۴۴)

با عنایت به مطالب فوق، جامع‌ترین تعریفی که می‌توان از اقلیت ارائه داد، عبارت است از: «گروهی از اتباع یک کشور که از لحاظ ملی، نژادی، زبانی یا مذهبی از دیگر اقشار مردم متفاوت بوده، از لحاظ تعداد، کمتر از اکثریت حاکم باشند و نیز حاکمیت را در دست نداشته باشند». (جامعی، ۱۳۹۶: ۲)

## ۲-۱- حقوق شهروندی

در قانون اساسی ایران، از واژه‌ی شهروند استفاده نشده و در قوانین عادی آن تا دهه‌های اخیر، این کلمه مورد اشاره مقنن نبوده است. حتی در فرهنگ معین و دهخدا، واژه شهروند وجود ندارد. از ملاحظات تعاریف گوناگون در خصوص شهروند دو معنای کلی استنباط می‌شود، نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصادیق آن شامل تمامی انسان‌ها می‌باشد از هر جنس، نژاد، رنگ، کشور، دین، مذهب و... و دیگر شهروند به معنای انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت-کشور و تحت قدرت آن دولت-کشور هستند. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۲: ۵۹) از دیدگاه علمای دینی نیز شهروندی نوعی کرامت ذاتی برای انسان‌ها تلقی می‌شود، چندان‌که آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی بیان می‌کنند که: «شهروند در اسلام در وهله‌ی اول یک انسان است و این انسان به عنوان شاهکار خلقت در دیدگاه اسلامی و قرآنی موجودی است که خداوند به او کرامت بخشیده



است،<sup>۱</sup> این کرامت، یک کرامت اعتباری نظیر آنچه در روابط میان آدمیان مطرح می‌باشد، نیست. این کرامت مبنایی و واقعی است که در واقع، تابع و انعکاسی از کرامت خداوند متعال است؛ بنابراین انسان به طور حقیقی موجودی است که دارای امتیاز و برجستگی است. انسان دارای مقام والا و برترین مخلوق خداوند است، این کرامت واقعی و ذاتی، پایه و مبنای تعالیم اخلاقی و حقوقی است و باید مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، شهروندان افراد مطیع و محکومان حکومت که به عنوان ابزار ادامه مطامع شخصی و گروهی حاکمان مورد استفاده قرار گیرند، نمی‌باشند. در روابط دولت با افراد جامعه به عنوان شهروند، همواره این اصل باید مدنظر قرار گیرد و تعیین قواعد حقوقی و هر نوع تعاملی با شهروندان باید با حفظ اصل کرامت انسان همراه باشد؛ وگرنه از دیدگاه اسلامی مردود و غیرقابل قبول می‌باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۶۲)

در نتیجه مفهوم «حقوق شهروندی» در جوامع خاورمیانه، از جمله ایران مانند سایر ویژگی‌های تمدن مدرن، مقوله‌ای وارداتی است. چندان‌که کشورهای اسلامی تا پیش از قرن بیستم با مفهوم شهروندی آشنایی نداشتند و در فرهنگ این جوامع کلمه شهروندی ساخته نشده، زیرا همان‌طور که اشاره شد واقعیتی به نام «شهروندی» آن‌گونه که در تمدن غرب وجود داشت، در این منطقه وجود نداشته است. بنابراین، به طور خلاصه «حقوق شهروندی» را می‌توان آمیخته‌ای از وظایف و تکالیف شهروندان در قبال حکومت و یکدیگر دانست که مسئله‌ای پذیرفته شده در گفتمان فقهی - حقوقی ما نیز می‌باشد.

۱. «و لقد کرّمنا بنی آدم». (اسراء: ۷۰)



### ۳-۱- دین و مذهب

کلمه «دین» از الفاظ مشترک آریایی و سامی است. دین در لغت عرب به معنای: طاعت، ملت، عادت، روش، قهر و غلبه، خضوع، قضا، داوری و خدمت آمده است و کلمه دینان به معنی داور و قاضی است. همچنین واژه دین در فارسی پهلوی به معنی کیش و وجدان است. «مذهب» نیز به یکی از تیره‌ها و شعب یک دین، چه تیره‌های اعتقادی؛ مانند اسماعیلیه و معتزله در اسلام یا طرق سیر و سلوک؛ مانند نقشبندیه در صوفیه، یا روش‌های عملی نسبت به احکام؛ مانند شافعی و حنفیه در فقه، به کار می‌رود. (مشکور، ۱۳۸۴: ۵) اقلیت‌های دینی و مذهبی که بعضاً در مجامع بین‌المللی پیرامون آن سخن به میان آمده است، به مجموعه‌ای از شهروندان یک کشور اطلاق می‌گردد که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد، کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن کشور هستند، ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی وحدت منافع و هم‌بستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند. (ترنبری، ۱۳۷۹: ۱)

در نتیجه قوانین اسلامی، اصولی را برای رفتار با کسانی که خود را مسلمانان نمی‌خوانند، مقرر داشته است. غیرمسلمانانی که در میان مسلمانان در یک کشور اسلامی زندگی می‌کنند - اعم از آنکه پیروی دین دیگری باشند یا خیر - در جایگاه ذمی قرار می‌گیرند که به معنای برخوردار از عهد، ضمان و امان است. ذمی‌ها بدین دلیل به این نام خوانده می‌شوند که در ذمه خدا، ذمه رسول خدا و ذمه جامعه



اسلامی قرار دارند. بدین ترتیب، می‌توانند تحت حمایت اسلام زندگی کنند.<sup>۱</sup> (ابن

علی، ۱۳۸۹: ۴۵۶)

## ۲- بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در نهج‌البلاغه و منشور حقوق

### شهروندی

برای تشکیل جامعه مدنی و ایجاد ملت، عوامل گوناگونی مانند نژاد، مذهب، زبان، تاریخ، آداب و رسوم مشترک اثر دارند، ولی همه این عوامل مقدمه ایجاد «همبستگی» و هدف مشترک هستند و اصالت ندارند.<sup>۲</sup> در نتیجه مردمی که با هم زندگی می‌کنند، باید همدل و هم‌بسته شوند، در غم و شادی شریک باشند و برای هدفی مشترک فعالیت کنند؛ هرچند که از نژادها و قوم‌های مختلف باشند و به زبان‌های گوناگون تکلم نمایند و حتی اگر دارای مذهب و دین مختلفی باشند. تجربه نشان داده است که همبستگی ناشی از نیازهای مادی و منافع مشترک، شکننده است و در صورتی که وابستگی‌های معنوی، ریشه‌دار و عمیق نیست.

۱. پیرامون حقوق فرق ضاله و به خصوص حق آموزش آن‌ها، یکی از اساتید مطرح حقوق عمومی بیان می‌کنند: «این اصول فراگیر (۱۹ و ۲۰)، تمام محدودیت‌ها و تزییقات نامعقول را از پیش پای ملت، در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها، برداشته و راه را برای هرگونه توجه تبعیض‌آمیزی بسته است. بنابراین هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس، مرام، مسلک یا عقیده دینی و مذهبی وجود ندارد. نکته‌ای که مدت‌ها بعضاً ذهن برخی اولیا امور را به خود مشغول می‌داشت، موضوع تحصیل فرزندان فرق ضاله بود؛ در حالی که در قانون اساسی برای محصلین از هر مسلک و مرامی که باشند، استثنائاتی مشاهده نمی‌شود، پس احدی را نمی‌توان از امر تحصیل بازداشت. درست است که فرق ضاله با مسلمانان عداوت فکری دارند، اما رفتار نیکو نسبت به آنان ایجاد محبت می‌نماید. از طرف دیگر، اگر محیط آموزشی از نظر اخلاقی و علمی سالم باشد، حکومت اسلامی قادر خواهد بود، همه فرزندان و از جمله فرزندان این فرقه‌ها را به آغوش اسلام جذب نماید و از راه‌های فرهنگی، مواضع و عقاید ضد اسلامی را تضعیف کند و به افزایش پیروان اسلام رونق بخشد.» (هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۷۲)
۲. می‌توان ادیان و مذاهب را مایه و پایه همبستگی و اتحاد ملت‌ها دانست، اما از طرف دیگر، تعدد مذاهب در نقاط واحد یا مجاور موجب بروز رقابت، جدال، برخورد متعصبانه و درگیری‌های قومی شده و از هم‌گسیختگی‌های ملی را به دنبال خود آورده است. ادامه این کشمکش‌ها و خون‌ریزی‌ها موجب پیدایش نهضت فکری «همزیستی مسالمت‌آمیز مذهبی» گردیده و متفکرینی مانند جان لاک از آن جانب‌داری نموده‌اند. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۲۹)





## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و مشور حقوق شهروندی

برای اکثریت گسترده‌ای از مردم، دین آنان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویتشان به شمار می‌آید. احتمال تبعیض مذهبی عموماً در دولت‌هایی که از یک دین رسمی بیشتر پشتیبانی می‌کنند، بالاتر است. هرچند که ایدئولوژی خدا ناباور دولتی نیز در چین، پیروان ادیان را به اذیت و آزار نظام‌مند محکوم می‌کند. همچنین، تعهد به «سکولاریسم» در بعضی دولت‌های اروپایی (از همه بارزتر در فرانسه)، به اعمال محدودیت‌هایی بر مظاهر دینی در فضای عمومی منتهی شده است. مردم کشورهای بسیار اندکی، در صورت وجود جامعه‌ای یکپارچه را تشکیل می‌دهند. اقلیت‌ها تقریباً در تمام کشورها وجود دارند و بسیاری از آن‌ها تحت آزار و اذیت، سرکوب و تبعیض نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده به سر می‌برند.

اسلام، مکتبی انسان‌ساز تلقی می‌شود؛ چراکه دارای برنامه‌ی کامل و منسجم برای به کمال رساندن پیروان خود است. همچنین از همان ابتدا، پیوند معنوی اسلام و ارتباط این دین با واقعیت‌های آسمانی مشترک دیگر ادیان، مدنظر بوده است؛ چندان‌که در آیات متعددی قرابت ادیان اشاره شده است، به عنوان مثال می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد: «بگویند که ما (مسلمین) به خدا ایمان آورده‌ایم و به آن کتابی که بر پیغمبر ما فرستادند و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و هم به آنچه به پیغمبران از جانب خدا داده شده، به همه عقیده‌مندیم و میان هیچ‌یک از آنان فرق نگذاریم و تسلیم فرمان او هستیم»<sup>۱</sup> (سوره بقره: ۱۳۶) و «همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند پس (دشمنان دین را)

۱. «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»



به قتل می‌رسانند و (خود) کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.»<sup>۱</sup> (سوره توبه: ۱۱۱)

در نتیجه چنین برداشت می‌شود که محتوای آیات قرآن و دین اسلام، با محتوای ادیان الهی دیگر و مذاهب اسلامی در وحی، کتاب آسمانی، شریعت الهی و معارف بر حق یکی بوده و در محتوای اصلی و شالوده کلی هم‌ردیف هم دانسته می‌شوند. بنابراین امیر مؤمنان که قرآن ناطق و حاکم بر حق پس از پیامبر دانسته می‌شوند، پس از قبول خلافت سعی بر وحدت بین ادیان و مذاهب و همچنین حفظ حقوق اقلیت‌ها داشتند، چراکه ایشان می‌خواستند جامعه را نظام‌یافته و قانون‌مند اداره کنند تا جامعه تحت تأثیر شخصیت‌های نیرومند و ناتوان قبیله یا غیر قبیله قرار نگیرد. ایشان در نظر داشتند تا عدالت را در جایگاه شایسته خود برای تمام انسان‌ها اجرا نمایند و با تربیت نسل‌ها به تدریج از نفوذ فرهنگ قبیله‌ای و جاهلی بکاهند. با همین نگاه متوجه شدند که مدینه‌النبی دیگر ظرفیت مناسبی برای اجرا و پذیرش این برنامه ندارد. بنابراین، به کوفه رفتند تا آن شهر نوین را با شهروندان گوناگون و چند فرهنگ در معرض آزمایش اجرای برنامه‌شان قرار دهند، ولی به دلایلی در کوفه نیز نتوانستند آن برنامه پیشرفته را به اجرا درآورند. به هر حال حضرت به رفع موانعی که بر سر راه آزادی و آگاهی مردم به وجود آمده بود، کمر همت بستند و در جنگ‌های جمل و صفین با هواداران امتیازخواهی، بی‌عدالتی، ستم‌کاری و تجاوز به حقوق مردم جنگیدند. (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۵۵)

۱. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَبِعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»



## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و مشور حقوق شهروندی

از طرفی با پیش‌بینی صحیحی که قانون اساسی از وضع موجود داشته، حقوقی از جمله شناسایی، آزادی انجام مراسمات دینی<sup>۱</sup>، استقلال در اصول و احوال شخصیه و تعلیمات دینی، حق ایجاد تشکلات دینی و مذهبی، حق نمایندگی مجلس شورای اسلامی<sup>۲</sup> و شورای شهر و همچنین قبول حقوق اجتماعی، اداری و استخدامی از جمله حقوقی است که قانون اساسی در اصول ابتدایی خود برای اقلیت‌های دینی و مذهبی بیان کرده است. در نتیجه اقلیت‌های دینی شناخته شده زرتشتی، کلیمی و مسیحی جمعاً دارای ۵ نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند.<sup>۳</sup> این غیرمسلمانان می‌توانند بر اساس اصل تساوی حقوق ملت<sup>۴</sup> عهده‌دار دیگر مشاغل عمومی (اداری، آموزشی، دانشگاهی و فنی) باشند.<sup>۵</sup>

۱. اذن در انجام مراسم دینی، اذن در تأمین لوازم آن نیز هست. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که تأسیس و برپایی معابر رسمی (کلیسا، کنیسه و غیره) لازمه انجام مراسم دینی و بلاشکال می‌باشد. این حق در مذاکرات خبرگان قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۴۷۳)
۲. لازم به ذکر است که با مراجعه به قوانین عادی در خصوص مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستا برداشت می‌شود که شرط «ایمان و تحلیف به یکی از کتب آسمانی» برای انتخاب‌شوندگان تعیین شده و دایره انتخاب‌شوندگان به مسلمانان محدود نشده است.
۳. اصل ۶۴: عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن‌ها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.
۴. اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
۵. اقوام، زبان‌ها، نژادها، ادیان و مذاهب مختلف در یک کشور می‌تواند، منشأ بروز تشقت و پراکندگی در آن گردد؛ فلذا قانون اساسی ایران موازینی را برای تحقق وحدت ملی و جلوگیری از تجزیه‌طلبی تدارک دیده است. (نجفی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)



تمام این موارد موجب شد تا با توجه به اصل ۱۳۴<sup>۱</sup> قانون اساسی در خصوص «برنامه و خط‌مشی دولت» منشور حقوق شهروندی به نگارش درآید تا اینکه بعد از اصلاحات مورد نیاز به قانون تبدیل گردد و نکته قابل توجه این است که منشور در جای‌جای خود<sup>۲</sup> شهروندان ایران را در برابر قانون مساوی دانسته و به اصل «رفع تبعیض» در خصوص شهروندان اشاره کرده است.<sup>۳</sup> فلذا ساختار این منشور بر اساس تساوی افراد بنا شده است، پس این موضوع اصلی‌ترین استناد مفادی است که می‌توان در خصوص رعایت حقوق شهروندان «اقلیت‌های دینی و مذهبی» بیان کرد که مجریان امور مربوطه را از استناد به مواد دیگر معاف می‌دارد. با وجود این، در ادامه سعی داریم تا به چند ماده‌ای اشاره کنیم که صراحتاً در خصوص موضوع مورد بحث به نگارش درآمده‌اند. البته پیش از بیان این مواد باید خاطر نشان کرد، متعدد بودن مواد موضوع بحث نه به خوبی آنچه انتظار می‌رود، حقوق اقلیت‌ها را بیان کرده‌اند و نه تمام ابعاد حقوق اقلیت‌ها را بیان کرده؛ در نتیجه نیاز به وجود مواد متعدد هم احساس نمی‌شود، چندان‌که قانون اساسی نیز برای اقلیت‌های دینی یک اصل و برای اقلیت‌های مذهبی نیز یک اصل را اختصاص داده است، از طرفی

۱. اصل ۱۳۴: ریاست هیئت‌وزیران با رئیس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف‌نظر یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت‌وزیران که به پیشنهاد رئیس‌جمهور اتخاذ می‌شود، لازم‌الاجرا است. رئیس‌جمهور در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیئت‌وزیران است.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به مواد ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۴۳، ۵۷ و... اشاره کرد.

۳. چنان‌که ملاحظه می‌شود، برای اتباع ایران صرف‌نظر از هرگونه تعلق نژادی، زبانی، قومی، مذهبی و جنسیتی حقا برابر و مساوی تلقی شده است و عموماً با کلماتی چون: همه، هرکس، هر فرد، احاد ملت، عامه مردم، عموم، مردم ایران، افراد ملت، اشخاص، هیچ‌کس، همه ملت و نظایر آن‌ها بیان شده و قاعدتاً نشئت گرفته از همان دیدگاهی است که کرامت انسانی را به عنوان یکی از مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مستلزم تساوی افراد ملت در حقوق و آزادی‌های اسلامی و رفع تبعیض بر اساس هرگونه تعلقات عارض به غیر از آنچه مربوط به صلاحیت و توانایی اشخاص است، می‌داند. (مهرپور،

۱۳۸۵: ۳۳)



پراکندگی مواد از معایب اصلی منشور تلقی می‌گردد که بعضاً این اشکال پیرامون حقوق کودکان و حقوق زنان نیز به چشم می‌خورد.

### ۳- اصل کرامت و برابری انسان‌ها

همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و قوم، قبیله، نسب، رنگ پوست، شرایط اقلیمی یا حتی دین و مذهب، هیچ تأثیری در ماهیت انسانی ندارند. انسان به صرف انسان بودن از حقوقی برخوردار است که رعایت آن بر همه هم‌نوعان، به خصوص حاکمان جوامع لازم و ضروری است. به همین دلیل است که مردم از هر دین و آیینی که باشند، باز هم از حیث خلقت مثل یکدیگر هستند. هر انسانی گاه دچار خطا می‌شود، گاه پایش می‌لغزد؛ گاه ناخواسته مرتکب کار ناشایست می‌گردد و حتی ممکن است به عمد مرتکب خلافی شود.

ذات اقدس حق تعالی انسان را گرامی داشت و او را بر بسیاری از مخلوقاتش برتری بخشید. تکریم انسان از سوی خداوند او را از ویژگی‌های خاصی برخوردار کرد، به او قدرت بخشید و مهم‌تر از همه، او را واجد حقوق، تکالیف و حرمت نمود.<sup>۱</sup> حکومت حضرت علی (ع) نیز، یک حکومت دینی و اخلاق‌محور بود. به همین دلیل، حفظ عزت و شخصیت انسان‌ها و تکریم انسانی، برای آن حضرت در اولویت اول قرار داشت؛ زیرا اصل حکومت برای سعادت، تکامل و تعالی انسان‌ها ایجاد شده بود و این، نگرش انسان‌شناسانه دینی است و حضرت علی (ع) با این هدف قدرت را به دست گرفته بود. اگرچه نام و ظاهر حاکمیت و اقدامات حضرت

۱. در این خصوص می‌توان به آیات ۴۸، ۱۲۳ و ۲۸۱ سوره بقره؛ ۱۷۳ سوره نساء؛ ۱۶۴، ۱۳۲، ۴۹ سوره انعام؛ ۷۰ سوره زمر؛ ۱۸ سوره مؤمن و آیه ۴۶ سوره سجد اشاره کرد.



## پژوهش نامه حقوق بشری

علی (ع) سیاسی بود، محتوا و جوهره آن مملو از تعالیم اخلاقی و اصول انسانی<sup>۱</sup> بود و سیاست امام عین اخلاق و دیانت و حول محور تکریم انسان، تکامل و تعالی او دور می‌زد. (فردرو، ۱۳۸۰: ۱۶۲)

همچنین امام (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «مردم دو گروه هستند؛ یا برادران دینی تو یا برادران تو در آفرینش». این حد از مشابهت کافی است تا ما خود را تافته‌ی جدا بافته از مردم به شمار نیاوریم و همه حقوق انسانی را در حق ایشان رعایت کنیم. همچنان که ایشان در هنگام خلافت خود، روزی در صدد تقسیم بیت‌المال برآمدند و خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم، از آدم (ع) فرزندی به عنوان غلام یا کنیز متولد نشد. همه مردم آزادند و امروز به سبب شرایط و مقتضیات، برخی بنده و مملوک شما قرار گرفته‌اند. مقداری از اموال مسلمانان نزد من جمع شده است که باید در میان شما از سیاه‌پوست و سفیدپوست تقسیم شود. بعد حضرت به هر نفر (بدون توجه به اصل و نسب، دین و مذهب و ...) سه دینار دادند.» (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۱۱۱) در همین راستا، فصل دوم منشور که اختصاص به «حق کرامت و برابری انسانی» دارد، ضمن ذکر برابری و تساوی انسان‌ها و عدم تبعیض بین آن‌ها در ماده ۱۰ به «حفظ آبرو و حیثیت اقلیت‌ها و قومیت‌ها» اشاره کرده و تخطی از حقوق ایشان را به وسیله هرگونه تحقیر و توهین ممنوع دانسته است: «توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است». در بخش ارجاعات مواد منشور، مسئله به گونه‌ی دیگری رغم خورده است. چندان‌که نگارندگان برای اینکه ارجاع مواد کم نباشد تا حد امکان به اصول

۱. نگاه حضرت علی (ع) مبتنی بر اصل برابری انسان‌هاست، ایشان در نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «میان کلان و نازک‌اندام، گران و سبک، نیرومند و ناتوان، در آفرینش جز همانندی نیست.»



و موادی استناد کرده‌اند که به نظر، اطاله کلام می‌باشد؛ از طرفی ارجاع به کل یک قانون که برای موضوع دیگری به تصویب رسیده است، از موارد غیرمنطقی ارجاعات می‌باشد. از جمله اصولی که بدان اشاره شده و البته صحیح هم ارجاع داده شده است، اصل ۱۲ و ۱۴ می‌باشد<sup>۱</sup> که در اصل ۱۲ به رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی اشاره می‌کند و با تعجب بسیار بدون ذکر اصل ۱۳ که در خصوص احترام و حفظ حقوق اقلیت‌های دینی مورد قبول قانون می‌باشد؛ به اصل ۱۴ اشاره شده که تکلمه اصل ۱۳ تلقی می‌گردد و صراحت ماده ۱۰ که در خصوص دیگر ادیان هم ذکر شده است را به فراموشی می‌سپارد. در ادامه اصول ۱۹۲ و ۲۲۳ بیان می‌شود که مربوط به بخش‌های دیگر ماده مورد بحث است؛ اما باز هم با کمال تعجب به اصل ۲۴<sup>۲</sup> استناد داده شده است که بیشتر مربوط به حقوق «آزادی اندیشه و بیان» و «دسترسی به اطلاعات» می‌باشد تا حق برابری و اصل حفظ کرامت انسانی. از طرفی چون ارجاع ماده ۱۰ با استناد به اصل ۲۴ به پایان می‌رسد، شاهد آن هستیم که استناد بعدی

۱. اصل ۱۲: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب، جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی، احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب خواهد بود.

اصل ۱۴: به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان، موظفانند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه، قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

۲. اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

۳. اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۴. اصل ۲۴: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.



مرتبط با ماده ۱۰، با اصل ۲۴ مرتبط می‌باشد، چندان که به «قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی» استناد داده شده است که قطعاً ارجاع به یک قانون با ۴۸ ماده که برای مسائل مطبوعاتی تصویب شده است، ربطی به حق برابری و حفظ حیثیت اشخاص در اقلیت ندارد.

در آخرین بخش ارجاع ماده ۱۰ منشور، به جزء ۴ بند الف «قانون سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر تبلیغات محیطی» مصوب ۱۳۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره شده است. در این بخش از ماده نیز تنها به حقوق اقلیت‌های مذهبی اشاره می‌شود: «تبلیغات نباید وحدت ملی را مخدوش ساخته یا موجب تحقیر یا توهین به مذاهب، اقوام و اقشار جامعه گردد.» بنابراین، در بخش ارجاعات پیشنهاد می‌شود به جای بیان مواد و مفاد غیرضروری، به بند ۶ اصل دوم<sup>۱</sup> یا بند ۹ اصل سوم<sup>۲</sup> و همچنین اصل ۴۸<sup>۳</sup> اشاره شود تا شهروندان را بهتر با حقوقشان آشنا نماید.

#### ۴- اصل احترام به سنت‌ها و قوانین دیگر ادیان و مذاهب

احترام به قوانین و مقررات دیگر ادیان، مذاهب و به رسمیت شناختن آن‌ها یکی دیگر از اصول حقوق اسلام و البته سیره امام علی (ع) دانسته می‌شود، چنانکه می‌فرمایند: «اگر من به داوری و قضاوت بنشینم، درباره پیروان تورات به حکم تورات، بین پیروان انجیل به انجیل، بین پیروان زبور به زبور و بین پیروان قرآن کریم

۱. اصل ۲: کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین. ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها.

۲. اصل ۳: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۳. اصل ۴۸: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.





به قرآن عمل خواهیم نمود». با توجه به محتوای سخن امام علی (ع) می‌توان به این نتیجه دست یافت که تحمل نظر و رویه مخالف و زندگی مسالمت‌آمیز و نیز محترم شمردن حقوق اساسی انسان‌ها و پذیرش آزادی‌های مشروع؛ از جمله اصول زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی میان انسان‌هاست که در عین داشتن عقاید گوناگون و روش و منش‌های مختلف مورد قبول معصومین قرار گرفته است.

از طرفی این موضوع نیز در منشور مورد توجه قرار گرفته، این در حالی است که اگرچه ماده ۱۰ منشور پیرامون حرمت، امنیت، کرامت انسانی و علی‌الخصوص اقلیت‌های دینی و مذهبی بحث شده و صراحتاً بیان شده است که «ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب ممنوع است»؛ ولی با این وجود مجدداً طراحان منشور در ماده ۱۱۰ ذیل «حق آموزش و پرورش» چنین بیان می‌کنند: «هیچ‌کس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند».

به نظر می‌رسد اگرچه هدف نگارندگان منشور از بیان موضوع در دو ماده مجزا و در دو فصل، تأکید بیشتر بر عدم ایجاد تنفر نسبت به اقلیت‌ها می‌باشد؛ اما با عنایت به اشکالات بیان شده و موجود در صراحت مواد و ارجاعات آن؛ به چنین هدفی نائل نخواهند آمد. در حالی که اگر این موضوع را در یک ماده مجزا و یا تکمیل‌تر ببینیم، قطعاً شاهد پراکندگی میان موضوعات و مباحث نیستیم. بنابراین، بیان می‌شود که تجمیع حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در یک بخش، فصل یا یک ماده مفصل با در نظر گرفتن تمام حقوق مندرج در قانون اساسی و همچنین دیگر قوانین عادی؛ قطعاً تأثیرات بهتری در پی دارد.



در بخش ارجاعات با نکته‌ای مواجه می‌شویم که پیش از این و در دیگر مواد منشور شاهد هستیم و آن موضوع نقص در ارجاعات است که بعضاً برداشت می‌شود که نگارندگان منشور تنها سعی بر پر کردن بخش ارجاعات دارند؛ چراکه در موضوع همین ماده مورد بحث، شاهد عدم ارجاع به قانون اساسی و ارجاع به موادی از قوانین عادی هستیم که در کمترین درجه ارتباط موضوعی قرار دارند.

اولین ارجاع ماده ۱۱۰، به ماده ۶ «قانون مطبوعات» مصوب ۱۳۶۴ است که در بین ۱۲ بند موجود در ذیل این ماده تنها بند ۴ آن مربوط به قومیت‌های مختلف و حفظ آبرو و ارزش ایشان می‌باشد و به هیچ‌وجه در متن این قانون سخنی از «اقلیت‌های دینی و مذهبی» به میان نیامده است که جای تعجب است: «نشریات جز در مورد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.»

همچنین در ماده ۸ «قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۱ نیز به عدم تفرقه در میان قومیت‌ها و بعضاً اقلیت‌ها اشاره شده است: «به موجب آیه شریفه واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا؛ حرکت کلی صداوسیما باید در جهت وحدت، الفت و انسجام هرچه بیشتر جامعه و بر حذر داشتن مردم از پراکندگی و تفرقه باشد». این در حالی است که قانون موضوع بحث، دارای ماده‌ای می‌باشد که هم مفید فایده تلقی می‌شود و هم در بخش ارجاع جای خالی آن برای تمام مواد موضوع بحث این مقاله احساس می‌گردد. ماده ۴۱ این قانون بیان می‌کند: «تلاش در جهت توسعه و تحکیم برادری اسلامی بین همه مذاهب و فرق اسلامی و همبستگی با اقلیت‌های دینی که در قانون اساسی به



## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و منشور حقوق شهروندی

رسمیت شناخته شده‌اند». این ماده به طور قطع ظرفیت جایگزینی با یکی از مواد موضوع بحث اقلیت‌ها را دارد و باید طراحان منشور توجه مجددی بر مواد نگاشته شده و مواد موجود در دیگر قوانین داشته باشند. سومین ارجاع ماده ۱۱۰ منشور، مواد ۲۸ و ۲۹ قانون «اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی می‌باشد که چون با موضوع مورد بحث ارتباطی ندارد، از آن صرف نظر می‌کنیم.<sup>۱</sup> آخرین ارجاع ماده ۱۱۰، به مورد (۱) بند (ج) ماده ۴ مصوبه اصلاحی «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در آن «توهین و تمسخر زبان، فرهنگ و هویت اقوام و اقلیت‌های دینی و قومی» را از موارد مقابله توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌داند. البته در بند (الف) همین ماده ذیل مبحث «دین و اخلاق» مورد ۳: «ترویج و تبلیغ ادیان، مذاهب و فرقه‌های منحرف و منسوخ، تحریف شده و بدعت‌گذار» نیز از موارد مقابله توسط وزارت فرهنگ دانسته شده است که البته در تبصره آن بیان می‌شود که: «معرفی ادیان، مذاهب و بیان احکام یا تحقیق درباره آن‌ها با رویکرد علمی و غیر تبلیغی مستثنا است.» و با کمال تعجب تنها به یک موضوع از موارد مندرج اشاره شده است و مابقی مواد به فراموشی سپرده شده‌اند.

۱. تنها در بند (ج) ماده ۲۹ آن نکاتی بیان شده است که به نظر گردآورندگان منشور، پیرامون ماده ۱۱۰ منشور ارتباط دارد: «توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های وی و ارزش‌های ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، به موطن اصلی وی و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی.»



## ۵- اصل عدالت اقتصادی

عدالت عبارت است از: «قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش.» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۶۴) بنابراین، پایه اصلی حکومت‌داری عدالت است<sup>۱</sup> و به صراحت، قرآن کریم علت وجودی دین در جامعه مردمی را «اقامه قسط و عدل» دانسته است.<sup>۲</sup> در نتیجه عدالت، یکی از ارکان جامعه اسلامی است که در صورت اجرای آن بسیاری از مشکلات به وجود نخواهد آمد. از مهم‌ترین اسناد تاریخی در مفهوم سیاست‌گذاری عدالت، رعایت مساوات و عدالت اجتماعی فرمان نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر است. این سند به تنهایی همه جوانب اصل وحدت‌گرایی، آزادمنشی، اصل حقوقی، مدیریتی، اقتصاد، سیاست، انتقاد، مشورت، مالیات، مردم‌سالاری و کلیه مباحث شهروندی را متذکر شده است. حضرت تأکید دارند که اگر برای اجرای عدالت نبود، رشته قدرت و حکومت را به حال خود رها می‌کردم تا ببینید حکومت برای من ذره‌ای ارزش ندارد. امام در تأکید بر حقوق اقلیت‌ها این گونه می‌اندیشد: تابعیت و مفهوم شهروندی بر اساس خون، زبان، خاک و سایر عناصر مادی شکل نمی‌گیرد. تابعیت مفهومی حقوقی مبتنی بر اختیار و مربوط به اراده و عقیده افراد است. هر فرد با قبول اسلام به تابعیت جامعه اسلامی پذیرفته می‌شود. هم‌چنین تابعیت اقلیت‌های دینی و قومی می‌تواند با شرایط خاص و معاهده دوجانبه و به شیوه قراردادی که اسلام می‌نامد، صورت گیرد. نمونه‌های آن در صدر اسلام، با معاهداتی که با یهودیان و مسیحیان مدینه بسته شده دیده می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸)

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله يامر بالعدل والاحسان» (نحل: آیه ۹۰)  
 ۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَلْعَلَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند و آهن (دیگر فلزات) را که در آن، هم سخنی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم و تا معلوم شود که چه کسی خدا و رسلش را با ایمان قلبی یاری خواهد کرد؟ (هرچند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (از یاری خلق بی‌نیاز) است.» (حدید: ۲۵)



## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و منشور حقوق شهروندی

به همین دلیل است که حضرت در نامه ۵۳ خود می‌نویسند: «عدالت را به اهل ذمه اجرا کن، به مظلوم حق بده و به ستمگر سخت بگیر.» یا در خطبه ۱۰۵، مهم‌ترین وظیفه حاکمان را برپایی عدالت می‌دانستند و بر توزیع ثروت و رفاه به شکل مساوی برای همه مردم تأکید داشتند. بدین صورت یکی از مصادیق عدالت، «عدالت اقتصادی»<sup>۱</sup> و یکی از زیرشاخه‌های آن «برابری در اشتغال» است که در فصل (حق اشتغال و کار شایسته) منشور حقوق شهروندی اشاره شده است.

در این فصل که نوآوری‌های چشم‌گیری در آن مشهود است<sup>۲</sup>، با اشتباه مفهومی مواجه می‌شویم که از نگارندگان این منشور بعید به نظر می‌رسید. در ماده ۷۷ آمده است: «حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند، انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی یا اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند». اگرچه قانون اساسی اقلیت‌های دینی و اقلیت‌های مذهبی را جداگانه مورد توجه قرار داده است و برای هر یک در خصوص دین و مذهب ایشان حقوق خاصی را بیان نموده است؛ اما در این ماده از منشور

۱. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند غذا و نیازمندان را در مال توانگران قرار داده است. پس فقیری گرسنه نماند، جز آنکه توانگری از حق او بهره‌مند شده است و خدا توانگران را در این کار بازخواست خواهد کرد.» (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۲۸) همچنین ایشان پیرامون میزان اختیار دولت در خصوص دخالت در حیطه امور اقتصادی برای تأمین نیاز و درآمد شهروندان می‌فرماید: «هیچ‌کس در کوفه نیست که زندگی او سلمان نیافته باشد، پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند، خانه دارند و از بهترین آب‌ها استفاده می‌کنند.» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳) در نتیجه از منظر امام علی (ع) عدالت اقتصادی موجب توزیع عادلانه درآمد بین قشرهای جامعه و رفاه و آسایش زندگی مردم می‌شود.

۲. چندان که در ماده ۷۸ به حق فرصت برابر اشاره شده است: «شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.» حق برابری زن و مرد در کار، حقوق و مزایا طبق ماده ۸۳ اینچنین می‌باشد: «حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.»



تنها به «اقلیت‌های مذهبی» اشاره شده است که خواننده فقط از این لفظ می‌تواند دو برداشت داشته باشد: اول اینکه، مفهوم «اقلیت‌های مذهبی» دربرگیرنده مفهوم «اقلیت‌های دینی» نیز می‌باشد و یک نوع این‌همانی در نظر نگارندگان منشور وجود داشته است؛ دوم اینکه، تنها حق برابر برای اخذ شغل اقلیت‌های مذهبی مورد قبول در اصل ۱۲ بوده و برای اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی ذیل اصل ۱۳، هیچ توجهی نشده و نباید اقلیت‌های دینی را در این خصوص مدنظر قرار داد. حال در بخش ارجاعات مواد منشور، با تعجب بسیار تنها به سه اصل قانون اساسی اشاره شده است<sup>۱</sup> و این عدم تناسب بین ارجاعات، به‌هیچ‌وجه صحیح تلقی نمی‌شود؛ چراکه در ماده‌ای با این حجم از حقوق، تنها به سه اصل اکتفا شده است و در مواد دیگر منشور که در کل یک یا دو موضوع را بیان می‌کنند تا حد امکان اصول و مواد در بخش ارجاعات بیان می‌گردد. اگر بحث در خصوص اهمیت اقلیت‌های دینی و مذهبی را کنار بگذاریم، دیگر موضوعات مندرج در ماده نیاز به ارجاع به قوانین موضوعه دارند، مثلاً در خصوص حقوق زنان در اشتغال و مسائل مربوط به آن، گرچه مواد قانونی وجود دارد، ولی به هیچ‌کدام اشاره‌ای نشده است یا پیرامون اختلاف در گرایش‌های سیاسی و اجتماعی که خود از نوآوری‌های منشور محسوب می‌شود، ماده قانونی ذکر نشده است.

لازم به یادآوری است که در بخش ارجاعات، جای خالی اصل ۱۴ با ذکر قسمت «حقوق انسانی آنان را رعایت کنند» احساس می‌شود، چراکه در این بخش از اصل

۱. اصل ۱۹ که پیش از این اشاره شد و اصول ۲۰ و ۲۸: «اصل ۲۰، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ اصل ۲۸، هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»



تمام حقوق اقلیت‌های دینی و به تبع آن مذهبی را متذکر می‌شود که باید در تمام ابعاد حقوق انسانی خویش با دیگر شهروندان ایرانی برابر باشند و دولتمردان باید حقوق مشخص شده ایشان را همچون یک ایرانی با دین اسلام و مذهب شیعه رعایت کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود برای ایجاد تناسب بین ارجاعات، به اصل ۴۳ قانون اساسی نیز اشاره شود.<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. اصل ۴۳: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: (۱) تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛ (۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هریک از مراحل رشد صورت گیرد؛ (۳) تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل، محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛ (۴) رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.



### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه کارکرد اصلی حقوق شهروندی اداره جامعه، مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند.<sup>۱</sup> (شیانی، ۱۳۸۱: ۳۶) یکی از مباحث مهم امروز جهان «حقوق شهروندی و آموزش شهروندی» است. مباحث «حقوق شهروندی» به شکل امروزی سابقه تاریخی ندارد، ولی باید اعتراف کرد که طی قرن اخیر مطالب و مباحث آن رشد فزاینده‌ای داشته است. باید گفت که شاید طرح بحث حقوق شهروندی از دیدگاه نهج‌البلاغه و نظرهای امام علی (ع) بهترین شیوه در دست‌یابی به این حوزه است؛ زیرا نهج‌البلاغه در حکم برادر قرآن کریم و حضرت علی (ع) از آگاه‌ترین شخصیت‌ها به اسلام بعد از پیامبر است. از طرف دیگر، ایشان برای مدتی رهبری حکومت اسلامی را نیز در دست داشته‌اند و بیش از سایر دوره‌ها، زمام‌داری آن حضرت با تنوع نژاد، زبان، رنگ، دین و سرزمین روبه‌رو بوده است و در این دوره گروه‌های سیاسی، عقیدتی و کلامی نیز رشد کرده بودند. در واقع، انواع آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در حکومت ایشان دیده می‌شد به طوری که ادیان دیگر آزاد بودند تا فرایض دینی خود را انجام دهند، به شرطی که به اسلام هتک حرمتی نشود. همچنین سایر ملت‌ها از حقوق مساوی با مسلمانان برخوردار بودند و حتی دیه و مالیات آنان برابر بود. امام علی (ع) در نامه ۵۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«هیچ‌کس را از خواسته‌های مشروعش باز ندارید و به سبب گرفتن درهمی، کسی را

۱. اصطلاح حقوق بشر (human rights) در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ در فرانسه به کار رفت. آنچه امروز با عنوان حقوق بشر و شهروندی مطرح است، اصول، قواعد و مفاهیمی است که مبانی اخیر آن، اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه و اندیشه‌های متفکران سازنده آن اعلامیه یعنی فیلسوفان قرن هجدهم اروپا مانند؛ ژان ژاک روسو، منتسکیو و دیدرو است و در اعلامیه حقوق بشر و دو میثاقی که «منشور حقوق بشر» نامیده می‌شود، منعکس شده است. (مه‌ریور، ۱۳۷۷: ۱۲۸)





## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و مشور حقوق شهروندی

تازیانة نزنید؛ همچنین به مال احدی چه مسلمان و چه غیرمسلمان که در پناه اسلام است، دست نزنید.»

همچنان که ممکن است افرادی مسلمان، یهودی، مسیحی یا حتی به تعبیر قرآن از صابئین<sup>۱</sup> باشند، اما همگی مأجورند، به شرط اینکه مؤمن باشند و عمل صالح انجام دهند.<sup>۲</sup> در عین حال، این تفاوت در اعتقادات و ایمانیات ربطی به حقوق انسانی آن‌ها ندارد. انسان‌ها از حیث حقوقی به صرف انسان بودن برابرند. امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر در فرمان حکومتی او می‌نویسد که مردم دو دسته‌اند: «یا برادر دینی تو هستند یا اگر برادر دینی تو هم نبودند در خلقت به انسان بودند مانند تو هستند». بدین ترتیب، بردباری مذهبی و امکان زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب گوناگون در یک قلمرو واحد، یکی از ارزش‌های مهم انسانی و البته حقوق بشری است؛ دین اسلام و جانشین بر حق پیامبر اکرم (ص)، به این موضوع توجه زیادی داشتند. چنانکه رفتار امام علی (ع) و دستورات ایشان به منظور نظم‌دهی و تصحیح رفتار نسبت به اقلیت‌های دینی و مذهبی، مایه افتخار هر انسانی است.

۱. در آیات قرآن هر جا ذکری از اهل کتاب شده مراد آن یهود و نصاری می‌باشد، با وجود این دو آیه (بقره: ۶۲ و مائده: ۶۹) دین صابئین را در ردیف ادیان توحیدی اسلام، یهود و نصاری ذکر کرده است و در آیه دیگری (حج: ۱۷) علاوه بر ادیان صابئین، دین مجوس (زرتشتی) نیز به آن اضافه شده است. لازم به ذکر است با آنکه در قرآن مجید و سنت اسلامی، یهود و نصاری قطعاً و «صابئین» و «مجوس و زرتشتیان» به قرآن، اهل کتاب محسوب می‌شوند، قانون اساسی فقط به ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی اکتفا کرده و نامی از «صابئین» که در ایران سکونت دارند، نبرده است. به هنگام طرح حقوقی اقلیت‌ها در مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی، گروهی از صابئین با استناد به آیات قرآنی، برای خود حقوقی نظیر حقوق اقلیت‌های سه‌گانه، ادعا و مطالبه نمودند. لیکن، در بررسی‌های به عمل آمده توسط گروهی تخصصی مأمور از طرف مجلس چنین اعلام گردید که این فرقه شعبه‌ای از یهود و یا شعبه‌ای از مسیحیت یا مخلوطی از عقاید دو گروه می‌باشند و بر طبق منابع اسلامی و تاریخی نمی‌توان آن‌ها را مستقل از آن ادیان قلمداد نمود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴: ۴۹۴)

۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است، و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست». (هر کدام از پیروان ادیان الهی که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، مأجور و رستگارند). (سوره طه: ۸۲)



از طرف دیگر، مواد منشور حقوق شهروندی بیان کننده این اصل هستند که ما باید حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی را پاس بداریم و نه عقیده آن‌ها را. بنابراین طراحان مواد قانونی به اشتباه احترام و تأمین حقوق این اقلیت‌ها را مساوی با احترام و حل مسائل عقیدتی می‌دانند؛ چراکه افراد و گروه‌ها در شرایط برابر، باید از حقوق برابر برخوردار باشند و این برابری قرین عدالت است. در نتیجه منشور حقوق شهروندی همان گونه که اشاره شده است، باید طی تغییرات اساسی و قابل توجه آغازگر موج تحولات قانونی و اجرایی در سطح کشور باشد تا در آینده شاهد اختلافات شهروندان این کشور نباشیم.

با توجه به انتقادات وارده مبنی بر عدم وجود ضمانت اجرا برای «منشور حقوق شهروندی»، نگارندگان معتقدند تا زمانی که آگاهی شهروندان نسبت به حقوق ابتدایی‌شان محقق نشود، امکان بحث پیرامون اجرای آن حقوق، امری قابل دفاع و صحیح نمی‌باشد، پس قبل از هر چیزی باید حقوق شهروندان را به ایشان آموزش دهیم و این مقوله باید از طریق وزارت آموزش و پرورش یا معاونت حقوق شهروندی ریاست جمهوری برنامه‌ریزی شود.

بدین ترتیب، مباحثی که درباره حقوق اقلیت‌ها در سیره امام علی (ع) بیان شد، نشانگر این نکته مهم و اساسی است که احکام اسلامی که ائمه معصومین (ع) مجری آن هستند، توجه خاص و ویژه نسبت به اقلیت‌ها دارد؛ به طوری که آن‌ها در صورت تمایل و عقد قرارداد می‌توانند به راحتی و در امنیت کامل در سرزمین‌های اسلامی به حیات خویش ادامه دهند و مجاز به انجام فعالیت‌های گوناگون هستند.

اهمیت نکته بیان شده، در مقایسه با شرایط کنونی، اسناد و مدارک بین‌المللی که در زمینه حقوق اقلیت‌ها به تصویب مجامع بین‌المللی رسیده، آشکار می‌شود.



## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و مشور حقوق شهروندی

به ویژه با توجه به اینکه این وضعیت ناظر به قریب چهارده قرن پیش است؛ امید است که با ترسیم بهتر این حقوق در کنار وظایف و تکالیف اقلیت‌ها، الگوی خوبی از حکومت علوی به عنوان بهترین نمونه برای جهانیان معرفی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (بی تا) مناقب آل ابیطالب، قم: علامه.
۴. ابن علی، معشوق و همکاران (۱۳۸۹) اخلاق در شش دین جهان، ترجمه: محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.
۵. ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹) حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه: آزیتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۲) غررالحکم و درر الکلم، ترجمه: محمد رحمتی شهر رضا، قم: صبح پیروزی.
۷. جامعی، محمدامین؛ حسینی، سید حسن (۱۳۹۶) «بررسی حقوق اقلیت‌های دینی از منظر فقه اسلامی»، مطالعات حقوق، شماره ۱۵.
۸. جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۵) «مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج البلاغه»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره دهم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۵.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
۱۰. شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳.
۱۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (۱۳۶۴ تا ۱۳۹۶)، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۰) «امام علی و حقوق اقلیت‌ها»، فصلنامه کتاب نقد، سال ۵، شماره ۱۸.



## بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در سیره امام علی (ع) و منشور حقوق شهروندی

۱۳. فردرو، محسن (۱۳۸۰) امام علی (ع)، فرهنگ عمومی و همبستگی اجتماعی، زهد: تهران.
۱۴. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۲) بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان.
۱۵. محرابی، علیرضا؛ یونسی، علی (۱۳۸۷) «تنوع قومی و انسجام ملی در ایران، چالش‌ها و راهبردها»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳۰۷.
۱۶. مشکور محمدجواد (۱۳۸۴) فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶) جاذبه و دافعه علی (ع)، قم: صدرا.
۱۸. منشور حقوق شهروندی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
۱۹. مهرپور، حسین (۱۳۸۵) «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن»، نشریه حقوق عمومی، شماره اول.
۲۰. مهرپور، حسین (۱۳۷۷) نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: اطلاعات.
۲۱. نجفی، مرتضی؛ محسنی، فرید (۱۳۸۸) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: فردا.
۲۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۴) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، تهران: میزان.

